

تهیه و طراحی : محمد یولچی خانی



اگر این محتوا مفید بود یا اگر word این محتوا را خواستید با شماره:
« ۰۹۱۰۰۴۸۲۵۲۲ » تماس وبا واریز مبلغ دلخواه ما را یاری کنید.

انسان، موجود اخلاق گرا

درسنامه

انسان با مفهوم «اخلاق» آشناست و می تواند خوب و بد اخلاقی را درک کند. همین مسئله را می توان یکی از وجوه تمایز انسان از سایر موجودات دانست. این ویژگی آن قدر مهم است که برخی متفکران انسان را بر اساس همین ویژگی تعریف کرده و گفته اند: انسانی موجودی است اخلاقی که خوبی و بدی را درک می کند و کارهایی براساس این درک انجام می دهد. «فلسفه اخلاق» که یکی از بخش های فلسفه است، در این باره بحث می کند تا ریشه های این ویژگی انسانی بیشتر شناخته شود.

فعل طبیعی و فعل اخلاقی

کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای خود انجام می دهد، از قبیل خرید مایحتاج روزانه، داشتن شغل برای کسب درآمد، استراحت، آشپزی، ورزش و تفریح. این قبیل کارها را «فعل طبیعی» می نامند.

دسته دیگر کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقبیح قرار می گیرند؛ مانند احسان، گذشت، ایثار، وفاداری و مبارزه با ظلم و نابرابری. این قبیل کارها را «فعل اخلاقی» می گویند.

برخی دیدگاه ها در معیار فعل اخلاقی

الف- فیلسوفان دوره یونان باستان

ب- فیلسوفان دوره جدید اروپا

ج- فیلسوفان مسلمان

الف- فیلسوفان دوره یونان باستان

فعل اخلاقی از نظر افلاطون

از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد. به اعتقاد او، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می شود. از نظر افلاطون، در صورتی عمل انسان در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد. یعنی قوه غضب و قوه شهوت، تحت کنترل و حکومت عقل باشند و با راهنمایی عقل عمل کنند.

تعریف «قوه شهوت»

«قوه شهوت» که انسان را به سوی لذایذ و امیال فرا می خواند.

تعریف «قوه غضب»

«قوه غضب» که انسان را در برابر خطرهای موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند.

تعریف «قوه عقل»

«قوه عقل» که خوب را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند.

نیک بخت از نظر افلاطون

پس انسانی که آراسته به چهار فضیلت «عدالت» «شجاعت» «خویشتن داری» و «حکمت» است؛ نیک بخت است.

این معیار میان همه انسان ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی کند.



نظراً رسطو درباره فعل اخلاقی

او معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در قوا می رسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیک بختی انسان است. به اعتقاد ارسطو شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می تواند مانع این افراط و تفریط شود؛ البته شرط لازم برای چنین امری این است که خود عقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود.

قوا	حالت افراط	حالت تفریط	حد وسط و اعتدال
عقل	جُرْبُزَه ^۲	سفاهت	حکمت
قوة غضب	تهوّر ^۳	ترس	شجاعت
قوة شهوت	شَرَه ^۴	خمودی	خویشتن داری

ب- فیلسوفان دوره جدید اروپا

کانت، فیلسوف قرن هجدهم آلمان، عقیده دارد که معیار فعل اخلاقی را باید «وجدان اخلاقی» جست و جو کرد.

هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود. مثلاً اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت، بلکه فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می کند، انجام دهد، فضیلت شمرده می شود.

مقصود کانت این است که عمل هر انسانی باید به گونه ای باشد که اگر دیگران هم همان کار را در مورد وی انجام دادند، او آن کار را بپسندد و عاملان آن را تحسین کند.

کانت: «دو چیز همواره مرا به شگفتی و ا می دارد: یکی آسمانی که بالای سر ماست دیگر وجدانی که در درون ما قرار دارد.»

نظر فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست را درباره فعل اخلاقی

فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست و عموم کسانی که بُعد روحی و معنوی را باور ندارند:

ریشه های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جست و جو می کنند

از نظر این دسته از فلاسفه، انسان، مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می دهد «خوب» و «بد» عناوینی هستند که خود ما به هر کار می دهیم، بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضررمان

ج- فیلسوفان مسلمان

«عقل عملی»

ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، دیدگاهی نزدیک به افلاطون و ارسطو دارند.

آنان نیز عقل را منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت ها می دانند و این عقل را، از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد «عقل عملی» می نامند.

تمایلات انسان از نظر فلاسفه مسلمان

۱- تمایلات مربوط به بُعد مادی و حیوانی، مانند تمایل به ثروت و لذت های مادی

۲- تمایلات مربوط به بُعد روحی و معنوی، مانند تمایل به عدالت و سخاوت که تمایلاتی برتر هستند و فضیلت شمرده می شوند. گاه میان فضیلت ها و منافع و تمایلات مادی و حیوانی انسان تلاقی پیدا می شود.

«علت انجام رذایل اخلاقی از نظر فلاسفه مسلمان»

علت انجام رذایل اخلاقی این است که گاه میان فضیلت ها و منافع و تمایلات مادی و حیوانی انسان تلاقی پیدا می شود؛ در چنین شرایطی اگر تمایلات حیوانی و مادی قوی باشند انسان را به سوی خود می کشانند و مانع رسیدن او به فضیلت ها می شوند و حتی او را به سوی رذیلت ها سوق می دهند.

کامل کردنی (نقطه چین ها):

۱- یکی از اقسام فلسفه های مضاف است، فلسفه اخلاق است.

۲- مفهوم اخلاق یکی از وجوه تمایز انسان از سایر موجودات است.

۳- انسان موجودی است اخلاقی که خوبی و بدی را درک می کند و کارهایی براساس این درک انجام می دهد.

- ۴- کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای خود انجام می دهد، از قبیل خرید مایحتاج روزانه، داشتن شغل برای کسب درآمد، استراحت، آشپزی، ورزش و تفریح. این قبیل کارها را «**فعل طبیعی**» می نامند»
- ۵- دسته دیگر کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقبیح قرار می گیرند؛ مانند احسان، گذشت، ایثار، وفاداری و مبارزه با ظلم و نابرابری. این قبیل کارها را «**فعل اخلاقی**» می گویند.
- ۶- از نظر افلاطون فعل اخلاقی با **سعادت** و نیک بختی حقیقی آدمی **رابطه** دارد.
- ۷- از نظر **افلاطون** سه **قوه** در انسان فعال هستند.
- ۸- «**قوه شهوت**» که انسان را به سوی لذایذ و امیال فرا می خواند.
- ۹- «**قوه غضب**» که انسان را در برابر خطر ها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند
- ۱۰- «**قوه عقل**» که خوب را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند.
- ۱۱- از نظر افلاطون، در صورتی عمل انسان در جهت **سعادت** است که بنا به فرمان و راهنمایی **عقل** انجام پذیرد.
- ۱۲- افلاطون می گوید اگر عقل که از فضیلت حکمت برخوردار است، حاکم باشد، قوه شهوت «**خوشتن** داری» پیش می گیرد و قوه غضب متصف به «شجاعت» می شود برآیند و نتیجه چنین سامانی، برقراری «**عدالت**» میان قوای عقل و شهوت و غضب و در سراسر شخصیت انسان است.
- ۱۳- انسانی که آراسته به چهار فضیلت «عدالت» و «شجاعت»، «خوشتن داری» «حکمت» است **نیک بخت** است.
- ۱۴- به اعتقاد **ارسطو شهوت و غضب** همواره در معرض افراط و تفریط هستند. اما **عقل** می تواند مانع این افراط و تفریط شود.
- ۱۵- از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط **اعتدال** باشند، انسان به **سعادت** می رسد.
- ۱۶- کانت، فیلسوف قرن هجدهم آلمان، عقیده دارد که معیار فعل اخلاقی را باید «**وجدان اخلاقی**» جست و جو کرد.
- ۱۷- فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست و عموم کسانی که **بعد** روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در همان **رفتار طبیعی** انسان جست و جو می کنند.
- ۱۸- از دیدگاه، توماس هابز انسان از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است، **قواعد اخلاقی** را ابداع کرده است.
- ۱۹- ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، **عقل** را منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت ها می دانند.
- ۲۰- علت انجام رذایل اخلاقی این است که گاه میان فضیلت ها و منافع و تمایلات مادی و حیوانی انسان **تلاقی** پیدا می شود.

صحیح و غلط:

- ۱- از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشند، انسان به سعادت می رسد. = صحیح

- ۲- به اعتقاد ارسطو شهوت و غضب همواره در اعتدال هستند. اما عقل می تواند مانع این اعتدال شود. = غلط
- ۳- از نظر فلاطون، در صورتی عمل انسان در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی قوه غضب انجام پذیرد. = غلط
- ۴- کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای خود انجام می دهد، از قبیل خرید مایحتاج روزانه، داشتن شغل برای کسب درآمد، استراحت، آشپزی، ورزش و تفریح. این قبیل کارها را « فعل طبیعی می نامند » = صحیح
- ۵- فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست و عموم کسانی که بعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در همان فعل طبیعی انسان جست و جو می کنند. = غلط
- ۶- از دیدگاه، توماس هابز انسان از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده است. = صحیح

کشف ارتباط:

کدامیک از گزینه های ستون «ب» به گزینه های ستون «الف» مربوط است؟

«الف»	«ب»
۱- معیار فعل اخلاقی از نظر او وجدان است.	قوه عقل = ۳
۲- از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشند انسان به آن می رسد.	فلسفه اخلاق = ۵
۳- قوه ایی که خوب را از بد تشخیص می دهد.	کانت = ۱
۴- قوه ایی که انسان را به سوی لذایذ و امیال فرا می خواند.	فعل طبیعی = ۶
۵- یکی از اقسام فلسفه های مضاف است.	فعل اخلاقی = ۷
۶- کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای خود انجام می دهد.	سعادت = ۲
۷- کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقبیح قرار می گیرند.	قوه شهوت = ۴

سوالات تشریحی:

۱- کارهای انسان را به طور کلی به دو دسته می توان تقسیم کرد آنها را بنویسید.

۱- فعل طبیعی ۲- فعل اخلاقی

۲- فعل طبیعی را تعریف کنید.

کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای خود انجام می دهد، از قبیل خرید مایحتاج روزانه، داشتن شغل برای کسب درآمد، استراحت، آشپزی، ورزش و تفریح. این قبیل کارها را « فعل طبیعی » می نامند.

۳- فعل اخلاقی را تعریف کنید.

۵-دسته دیگر کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقبیح قرار می گیرند؛مانند احسان، گذشت، ایثار، وفاداری و مبارزه با ظلم و نابرابری. این قبیل کارها را «فعل اخلاقی» می گویند.

۴-نظر افلاطون را درباره فعل اخلاقی بنویسید.

از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد. به اعتقاد او، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می شود.

۵-از نظر افلاطون در چه صورتی یک عمل در جهت سعادت است؟

از نظرا فلاتون، در صورتی عمل انسان در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد. یعنی قوه غضب و قوه شهوت، تحت کنترل و حکومت عقل باشند و با راهنمایی عقل عمل کنند.

۶- «قوه شهوت» را تعریف کنید.

«قوه شهوت» که انسان را به سوی لذایذ و امیال فرا می خواند.

۷- «قوه غضب» را تعریف کنید.

«قوه غضب» که انسان را در برابر خطر ها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند.

۸- «قوه عقل» را تعریف کنید.

«قوه عقل» که خوب را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند.

۹-از نظر افلاطون چه کسی نیک بخت است؟

پس انسانی که آراسته به چهار فضیلت «عدالت»، «شجاعت»، «خویشتن داری» و «حکمت» است؛ نیک بخت است. این معیار میان همه انسان ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی کند.

۱۰- نظر ارسطو را درباره فعل اخلاقی بنویسید.

او معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در قوا می رسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیک بختی انسان است. به اعتقاد ارسطو شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می تواند مانع این افراط و تفریط شود؛ البته شرط لازم برای چنین امری این است که خود عقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود.

۱۱- در جدول زیر با توجه به قوای انسان جدول را کامل کنید.

قوا	حالت افراط	حالت تفریط	حد وسط و اعتدال
عقل	جُرْبَزَه	سفاهت	حکمت
قوه غضب	تهوّر	ترس	شجاعت
قوه شهوت	شَرَه	خمودی	خویشتن داری

۱۲- نظر کانت، را درباره فعل اخلاقی بنویسید.

کانت، فیلسوف قرن هجدهم آلمان، عقیده دارد که معیار فعل اخلاقی را باید «وجدان اخلاقی» جست و جو کرد.

۱۳- از نظر کانت چه عملی خیر اخلاقی شمرده می شود؟ آن را با مثال توضیح دهید.

هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود. مثلاً اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت، بلکه فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می کند، انجام دهد، فضیلت شمرده می شود.

۱۴- مقصود کانت از این جمله چیست؟ (برطبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و عمومی شود).

مقصود کانت این است که عمل هر انسانی باید به گونه ای باشد که اگر دیگران هم همان کار را در مورد وی

انجام دادند، او آن کار را بپسندد و عاملان آن را تحسین کند.

۱۵- جمله معروف کانت که شهرت فراوانی دارد را بنویسید.

کانت: «دو چیز همواره مرا به شگفتی و اطمینان می دارد: یکی آسمانی که بالای سر ماست، دیگر وجدانی که در درون ما قرار دارد.»

۱۶- نظر فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست را درباره فعل اخلاقی بنویسید

فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست و عموم کسانی که بعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جست و جو می کنند. از نظر این دسته از فلاسفه، گروه انسان، مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می دهد «خوب» و «بد» عناوینی هستند که خود ما به هر کار می دهیم، بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضررمان.

۱۷- چرا از نظر فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست ها از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز رعایت کند؟

زیرا، در غیر این صورت، منفعت خودش نیز حفظ نمی شود. بنابراین اولین قانون اخلاقی این است «آنچه برای خود می پسندی، برای دیگران هم بپسند». در این صورت است که می توانی با دیگران زیست کنی»

۱۸- از نظر فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست ها انسان چه زمانی قواعد اخلاقی را ابداع کرده ؟

بنابراین دیدگاه، انسان از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده و مثلاً گفته است: باید با دیگران راستگویی پیشه کرد و باید با دیگران به عدل رفتار نمود.

۱۹- عقل عملی را تعریف کنید.

ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، دیدگاهی نزدیک به افلاطون و ارسطو دارند.

آنان نیز عقل را منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت ها می دانند و این عقل را، از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد «عقل عملی» می نامند.

۲۰- از نظر فلاسفه مسلمان چرا عمل به فضیلت ها چندان هم آسان نیست ؟

اما انتخاب این فضائل و عمل به آنها چندان هم آسان نیست، زیرا انسان دو دسته تمایلات دارد::

۱- تمایلات مربوط به بُعد مادی و حیوانی، مانند تمایل به ثروت و لذت های مادی

۲- تمایلات مربوط به بُعد روحی و معنوی، مانند تمایل به عدالت و سخاوت که تمایلاتی برتر هستند و فضیلت شمرده می شوند. گاه میان فضیلت ها و منافع و تمایلات مادی و حیوانی انسان تلاقی پیدا می شود.

۲۱- علت انجام رذایل اخلاقی از نظر فلاسفه مسلمان چیست؟

علت انجام رذایل اخلاقی این است که گاه میان فضیلت ها و منافع و تمایلات مادی و حیوانی انسان تلاقی پیدا می شود؛ در چنین شرایطی اگر تمایلات حیوانی و مادی قوی باشند انسان را به سوی خود می کشانند و مانع رسیدن او به فضیلت ها می شوند و حتی او را به سوی رذیلت ها سوق می دهند.

۲۲- چرا با اینکه انسان می تواند فضائل و رذائل را بشناسد و حتی به آنها علاقه بورزد، اما این علاقه به تنهایی نمی تواند باعث ترک رذیلت و کسب فضیلت شود؟

از نظر آنان، علاوه بر این تمایل ذاتی، پشتوانه ای دیگر هم لازم است تا هنگام تضاد میان تمایلات حیوانی و فضائل اخلاقی انسان بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد. این پشتوانه به اعتقاد فلاسفه مسلمان خداست؛ اگر خداوند نیز ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، میل به فضائل در انسان تقویت می شود. البته اعتقاد به خداوند، گرچه عامل تقویت کننده است، اما به این معنا نیست که عمل به فضیلت قطعی و حتمی می شود، زیرا در هر صورت، انسان موجودی مختار و با تمایلات قوی و شدید است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات، از فرمان خدا هم سرپیچی نماید.



پیش از آغاز درس، این داستان را بخوانید و به سؤال های طرح شده پاسخ دهید.

(داستان صفحه ۸۴ و ۸۵ کتاب درسی)

۱- چرا با اینکه کسی متوجه دزدی سامان نشده، داود سامان را سرزنش می کند؟

ممکن است علت سرزنش داود این باشد که دزدی نزد هر کسی بد است و وجدان هر کسی چنین کاری را نمی پسندد.

۲- آیا واقعا سامان کار خود را خوب تلقی می کند؟

از برخی جواب های او پیداست که وی وجداناً این کار را بد می داند. مانند اینکه « همه چیز در این فروشگاه گران است. »، « دزدیدن جرئت می خواهد. » و « خیلی ها این کار را می کنند. »

۳- آیا در میان جملات داود و سامان قاعده نادرست اخلاقی هم مشاهده می کنید؟

در جملات داود قواعد اخلاقی نادرست نیست. اما در جملات سامان، جملاتی مانند « . خیلی ها این کار را می کنند » « ممکن است این کار برای تو غلط باشد، اما برای من، نه » « چنین هدیه ای حَقَم است. »

« تو هم به دنبال سود خودت هستی » « من دوست ندارم مثل بقیه باشم. » و « این کار از پشت خنجر زدن است. » جملاتی هستند که بر مبنای بسیاری از متفکرین و فیلسوفان نادرست است.

۴- چرا داود تلاش می کند پایبند قواعد اخلاقی باشد و از آنها سرپیچی نکند؟

پاسخ این سؤال می تواند متنوع باشد. شاید داود احساس مثبتی از رعایت قواعد اخلاقی دارد، شاید هم این را نوعی نوع دوستی بداند، شاید هم این کار را یک فضیلت بداند که انسان به آن گرایش فطری و درونی دارد. شاید هم از این جهت باشد که خداوند از انسان خواسته که قواعد اخلاقی را رعایت کند و شاید هم تعدادی از این عوامل دخالت داشته باشند.

۵- آیا انتقاد سامان از رفتار داود درست است؟ چرا؟

انتقاد آخر سامان از داود این است که اطلاع دادن به صاحبان فروشگاه از پشت خنجر زدن است. ممکن است دانش آموزی بگوید چون فروشگاه گران فروشی کرده، حق سامان بود که تلافی کند و لذا کار داود غلط است. ممکن است دانش آموزی بگوید بدی را نمی توان با بدی پاسخ داد. لذا انتقاد سامان غلط است. ممکن است دانش آموزی بگوید دوستی واقعی این نیست که انسان از کارهای غلط دوست خود چشم پوشی کند.

بررسی

گفت و گوی داود و سامان را مرور کنید و بگویید با توجه به سخنان داود و سامان، پاسخ هر کدام از آنها به سؤال های فوق چه خواهد بود؟

این فعالیت، بازگشت مجددی به گفت و گوی اول درس است در این بازگشت می خواهیم دانش آموزان را متوجه پیش فرض ها و بنیان های داود و سامان کنیم و نشان دهیم که هر یک از آن دو با یک سری پیش فرض ها با هم سخن می گویند و اختلاف نظر پیدا می کنند.

تطبیق

دیدگاه اخلاقی افلاطون و ارسطو را بر نظر آنان درباره انسان تطبیق دهید و توضیح بدهید که آیا میان نظر آنان درباره انسان و اخلاق ارتباط و هماهنگی وجود دارد یا ندارد؟

با توجه به اینکه این دو دیدگاه نزدیک به یکدیگر است و هر دو تنظیم قوا را محور اخلاق قرار داده اند، ممکن است تشخیص تفاوت های آن دو برای دانش آموزان سخت باشد.

هر دو فیلسوف معتقدند که انسان سه قوه اصلی عقل، شهوت و غضب دارد.

هر دو فیلسوف می دانند که اگر عقل حاکم شود و شهوت و غضب تابع عقل باشند، انسان به فضیلت می رسد.

هر دو فیلسوف فضیلت های پایه ای انسان را حکمت و شجاعت و خویشتن داری می دانند.

نقطه تفاوت و نه اختلاف، این است که افلاطون می گوید اگر انسان به حکمت و شجاعت و خویشتن داری میان آنها « عدالت » آراسته شد، هر یک از قوا به کمال مورد نظر و جایگاه ویژه خود در انسان می رسند و برقرار می شود.

تطبیق

این دیدگاه کانت را با نظر وی درباره انسان مطابقت دهید. آیا سازگاری می بینید یا ناسازگاری؟

کانت در حوزه عقل عملی به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار او پرداخت و از این راه نفس مختار و اراده آزاد انسان را اثبات کرد. به اعتقاد او انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است که او را به سوی عمل اخلاقی دعوت می کند؛ یک چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد. پس دیدگاه کانت درباره انسان با دیدگاه وی در حوزه اخلاق کاملاً سازگاری وجود دارد.

تطبیق

دیدگاه بالا را با دیدگاه داروینیست ها و ماتریالیست ها و دکارت در انسان شناسی تطبیق دهید و توضیح بدهید که این دیدگاه با کدام یک از آنها سازگار و با کدام یک ناسازگار است.

داروینیست ها و ماتریالیست ها انسان شناسی نزدیک به یکدیگر دارند و برای انسان روح مجرد و بُعد ماورایی قائل نیستند. لذا نظر طبیعت گرایان در فلسفه اخلاق با دیدگاه این فیلسوفان در انسان شناسی سازگاری دارد.

اما دکارت که معتقد به روح مجرد برای انسان است، معتقد است که فضیلت ها به روح کمال می بخشند و ارزش معنوی دارند. لذا خودشان برای انسان ارزشمند هستند و جنبه ابزاری ندارند. بنابراین، دیدگاه طبیعت گرایان با دیدگاه دکارت سازگاری ندارد.

طرح مسئله*

اگر انسان ها به عدل و احسان و مانند آنها علاقه مند هستند و عقل آنها این صفات را، قطع نظر از ضرورت اجتماعی شان، کمال می داند، چرا برخی افراد به دنبال این فضائل نیستند و بالعکس به سوی رذائل اخلاقی می روند؟

نظر شما در این باره چیست؟ چگونه می توان به آن پاسخ داد؟

تمایلات و غرایز طبیعی و حیوانی در انسان وجود دارد و سبب تحریک انسان می شود.

لذا در بسیاری از موارد، با اینکه انسان مثلاً عدل و راستگویی را دوست دارد ولی برای رسیدن به آن تمایلات، عدل یا راستگویی را زیر پا می گذارد و به سوی ظلم یا دروغ پیش می رود.

یافتن مصداق ها*

آیا می توانید نمونه هایی ذکر کنید که در آنها، تمایلی مادی مانع کسب فضیلت شده باشد؟

برخی از افراد که به خواب و استراحت علاقه افراطی دارند، از کسب علم باز می مانند.

برخی افراد برای اینکه زود به ثروت زیاد برسند، اصول اخلاقی را در معاملات خود رعایت نمی کنند.

برخی افراد برای اینکه به سرعت ریاست اداره خود را به دست بگیرند، علیه اطرافیان و همکاران شایعات نادرست را ترویج می دهند.

تطبیق

دیدگاه ابن سینا و فلاسفه مسلمان را بر نظر آنان در انسان شناسی تطبیق داده و توضیح دهید که آیا نظر آنان در این دو بخش با یکدیگر سازگاری دارد یا نه.

از آنجا که فلاسفه مسلمان، همگی معتقدند که انسان دارای روح است و روح نیز کمالات معنوی ویژه خود را طلب می کند، در فلسفه اخلاق نیز عقیده دارند که فضائل اخلاقی صرفاً برای حل مسائل زندگی نیست؛ بلکه این فضائل روح را کمال می بخشد و به مراتب عالی انسانی می رساند.

تطبیق*

در اینجا دو واقعه از وقایعی که معمولاً پیرامون ما می گذرد، آمده است. پس از مطالعه (صفحه ۹۱ و ۹۲ کتاب درسی) این دو ماجرا، رفتار علی و رحمان را تحلیل کنید و توضیح دهید که :

اولاً هر یک از تصمیمات آنها با چه انگیزه اخلاقی (مثبت یا منفی) صورت گرفته است ؟

در صحنه اول، وقتی علی حادثه زمین خوردن مادر بزرگ احمد را مشاهده می کند، اما رسیدن به مسابقه را بر کمک به مادر بزرگ احمد ترجیح می دهد. عمل علی در ابتدا از دیدگاه فلاسفه مسلمان نشان دهنده ترجیح یک تمایل معمولی و مادی بر یک تمایل متعالی و برتر، یعنی کمک به دیگران است. لذا ترک صحنه توسط علی یک عمل ناپسند تلقی می شود. اما رفتار و عمل وی بعد از اندکی تأمل، مطابق با کمال معنوی و تمایل برتر و متعالی اوست.

ثانیاً این انگیزه به کدام یک از دیدگاه های طرح شده در این درس نزدیک است؟

در صحنه دوم، ابتدا رحمان به مادر بزرگ احمد کمک نمی کند، بدان جهت که فرصت زیادی برای مسابقه ندارد؛ یعنی مسابقه را که هدفی کوچک تر است بر کمک به مادر بزرگ احمد ترجیح داد. همچنین او به اختلافش با احمد توجه کرد و آن را در این تصمیم گیری دخالت داد و در نتیجه از تکامل روحی و معنوی خود غافل شد. در مرحله بعد هم که رحمان به مادر بزرگ کمک کرد، باز هم یک هدف مقدس را دنبال نمی کرد. او وقتی عموی خود را مشاهده کرد و احتمال داد که نظاره گر اوست، آن کار خیر را انجام داد.

به کار بندیم

۱- هر کدام از گزاره های زیر به کدام فیلسوف ارتباط دارد؟

معیار فعل اخلاقی، جستجوی سعادت و نیک بختی انسان است. = **افلاطون**

معیار فعل اخلاقی، در رعایت حد اعتدال است. = **ارسطو**

معیار فعل اخلاقی، در اطاعت از وجدان است. = کانت

معیار فعل اخلاقی، برای حفظ مصالح و منافع افراد در جامعه است. = فیلسوفان طبیعت گران

معیار فعل اخلاقی، از جنس کمال و زیبایی بودن و رساننده انسان به کمال است = فیلسوفان مسلمان.

۲- کدام معیار را شما می پسندید؟ چرا؟

این یک سؤال و اگر است و هر دانش آموزی می تواند پاسخ مورد نظر خود را بگوید.

۳- رابطه عقل با اخلاق از نظر افلاطون و ارسطو و فیلسوفان مسلمان را با دوستان خود به بحث بگذارید و نتیجه را در کلاس گزارش نمایید.

از نظر افلاطون و ارسطو و عموم فلاسفه مسلمان، آنگاه انسان ها به سوی فضائل اخلاقی حرکت خواهند کرد که عقل خود را حاکم بر شهوت و غضب قرار دهند و آنها را تابع عقل کنند.